

# ارتباط دوست محمد خان با پارس و روس

گزینشی از

ارتباطات پارس و افغانستان

لندن، ۱۸۳۹

برگردان: دکتور لعل زاد

لندن، ۱۷ اپریل ۲۰۲۳

*Half Bound*

*H. Brit. Foreign office*  
**CORRESPONDENCE**

RELATING TO

**PERSIA AND AFGHANISTAN.**

**LONDON :**

**PRINTED BY J. HARRISON & SON.**

**1839.**

ص: ۲۶ - ۲۹

شماره ۴۰ - آقای مکنیل به ویسکونت پالمستون (۲۸ اپریل ۱۸۳۷)

(خلاصه) تهران، ۲۰ فبروری ۱۸۳۷

افتخار دارم که برای اطلاع جناب شما، ترجمه های مکاتبات نوشتاری در بین حکومت پارس و سران کابل و قندهار را ضمیمه سازم.

چند روز پیش در گفتگو با نخست‌وزیر فرصت یافتم تا از او بپرسم که آیا اطلاع دارد که تاج محمد خان، مامور قندهار، توسط میرزا مسعود به خانه سفیر روسیه برده شده است، در حالی که در همان زمان به او دستور داده شده بود که با من ملاقات نکند و او حتی با نامه و هدایای از طرف سفیر روسیه به آقايش متهم شده بود.

حاجی میرزا آغاسی اعتراض کرد که او از این چیزها خبر ندارد.

به جناب عالی عرض کردم، اگر به عنوان وزیر این حکومت مناسب باشد که چنین مسیری را دنبال کند و واسطه ای برای برقراری ارتباط مستقیم روسیه با رئیس قندهار باشد، ممکن است حکومت برتانیه نیز اقداماتی را برای مقابله با پیامدهای چنین اقدامات اتخاذ کند.

(ضمیمه ۱)

ترجمه رونوشتی از نامه دوست محمد خان، رئیس کابل به اعلیحضرت محمد شاه

از آنجا که در زمان های گذشته، سران خانواده من صمیمانه به خاندان سلطنتی اعلیحضرت وابسته بودند، من نیز خود را یکی از پیروان فداکار آن نژاد سلطنتی می دانم و این کشور را متعلق به پادشاهی پارس در نظر می گیرم. من در فرصت قبلی، حاجی ابراهیم را به منظور تبیین برخی از امور مربوط به این ملت به حضور اعلیحضرت فرستادم. اکنون

دلیل نامه ام به اعلیحضرت چنین است: شما اعلیحضرت پادشاه اسلام هستید؛ با آنکه در سراسر این سرزمین‌ها، ناآرامی و بدبختی توسط قبیله منفور سیکه‌ها ایجاد شده است.

هر چند ۴۰۰ هزار خانواده قبایل افغان و همجوار آن در اطاعت از این مخلص نیکوکار قرار دارند، ناتوانی من در استخدام و آرایش این کتله، نیروهایم را به ۲۰ هزار سوار، ۱۰ هزار پیاده و ۵۰ توپ محدود می‌کند که در پایتخت من، کابل آماده اند.

من مدت هاست که در برابر ۱۰۰ هزار سوار و پیاده و ۳۰۰ توپ کافران ستمکار درگیر جنگ بوده‌ام. اما به لطف و عنایت خداوند هنوز زیر سلطه این دشمن بی‌ایمان قرار نگرفته‌ام و توانسته‌ام ایمان واقعی را نگه دارم. اما تا کی می‌توانم با این قبیله منفور مقابله کنم و تا کی می‌توانم در برابر تجاوزات آن‌ها مقاومت کنم؟ بدون شک گزارشی از دشواری‌های وضعیت من به اعلیحضرت رسیده است و اعلیحضرت حتما شنیده‌اند که باوجود قوت ضعیف خود، همیشه و بدون وقفه درگیر جنگ با سیکه‌های شریر هستم. چون شهرهای اصیل قندهار، مرکز کابل و کشورهای همجوار خراسان و هم ولایت خراسان و کشورهای وابسته به مکان‌های فوق‌بخشی از قلمروی پارس بوده و در میان ممالک شاهنشاه قرار دارند، بدبختی یا رفاه این سرزمین‌ها را نمی‌توان از منافع حکومت پارس جدا کرد. حتی اگر امور من برهم بخورد و حتی اگر اعلیحضرت توجه خود را به وضعیت این کشورها معطوف نکند، تا زمانی که بتوانم در مبارزه با سیکه‌ها پافشاری خواهم کرد. اما اگر ثابت شود که قادر به مقاومت در برابر آن قبیله شیطنی نیستم، در این صورت چاره‌ای ندارم و باید خود را با انگلیس‌ها وصل کنم که به این ترتیب بر کل افغانستان اقتدار کامل خواهند داشت و باید دید که پس از آن شعله خشونت آن ملت تا کجا و تا چه اندازه کشیده خواهد شد.

من بر خود واجب دانستم که این وضعیت را به پادشاه اسلام ارایه کنم. در مورد بقیه، اعلیحضرت شما آن‌گونه که مصلحت سلطنت شما ایجاب کند، عمل خواهند کرد. همه

امور دیگر توسط محمد حسین خان روایت خواهد شد که فرد امین و وابسته به این خیر خواه است.

برگردان توسط جی. شیل (امضا)

(ضمیمه ۲)

برگردان نامه اعلیحضرت محمد شاه به امیر دوست محمد خان، رئیس کابل

جناب عالی مخزن شرف و جلال، اشرف اشراف، مخالف کفار، امیر دوست محمد خان مالک کابل با مکاتبات خجسته شاهنشاهی مفتخر شده و به اطلاع می رساند که دو نامه جناب عالی توسط حاجی ابراهیم و محمد حسین خان به حضور شاهانه ما رسیده است. مفاد هر یک نشان دهنده درستی نیت آن ظرف کرامت از ابتدا تا انتها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و مطالب و خواست های جناب عالی نیز توسط پیام آوران فوق برای ما بیان شده است. این همه احوالات که دلایلی بر اثبات صداقت و خلوص نیت بود، باعث رضایت کامل ذهن سلطنتی ما شد و ما را به ارادت او مطمئن ساخت.

با عنایت به نمایندگی شما در رابطه با این حکومت بی پایان و با توجه به اظهارات شما مبنی بر اینکه کابل یکی از کشورهای وابسته به سلطنت پارس محسوب می شود و شما پیوسته در جنگ با کفار مشغول هستید و با وجود قوت برتر آنها، شما تا این زمان قادر به مقابله با آنها و حفظ آن قلمروها از انقیاد بودید؛ اما اگر کمکی دریافت نکردید و مجبور خواهید بود که از جای دیگری کمک بگیرید تا به این اختلالات پایان دهید. در حقیقت، این اظهارات با صداقت نوشته شده است و در ذهن شاهنشاهی ما آشکار است که جناب عالی یکی از رزمندگان ممتاز اسلام هستید که با دلاوری در راه ایمان می جنگید؛ یقیناً هم به دلیل وابستگی به این حکومت پایان ناپذیر و هم برای حفظ اسلام و هم برای دفاع از پادشاهی و دین مان و هم از سخاوت پادشاهی، حفظ آن پناه عزت را در سایه حمایت ما بر خود واجب می دانیم و از هیچ گونه کمکی از او اکراه یا دریغ نمی کنیم. از این رو،

قبل از ورود پیام آوران جناب عالی، ما قاطعانه تصمیم گرفته بودیم که به هرات راهپیمایی کنیم و شرح کمک ها را به جناب عالی برسانیم. ما راهپیمایی خود را از پایتخت تهران با این نیت آغاز کردیم. پس از ورود به بسطام، به وزرای این کشور والا اعلام شد که کولر/وبا با خشونت در سراسر شهرهای خراسان جریان دارد. از این رو برای تغییر هوا و به امید قطع این بیماری به موقعیت سالمی رفتیم و چند روز در جلگه کلپوش توقف کردیم. در این میان به ما اعلام شد که مخدوم قلی یاموت (ترکمن) با ایتلاف با علی قلی خان (رئیس خیره) با ۲۰ هزار سوار اوزبک و ترکمن به قره قلعه رسیده است که در نزدیکی صحرا قرار دارد. آنها با استحکام در آن موقعیت، منتظر فرصت غیبت لشکر فاتح ما بودند تا در محدوده قلمروهای ما بی نظمی و هياهو ایجاد کند.

وقتی این اطلاعات به دست ما رسید، برادر عزیزمان فریدون میرزا را با ۸ هزار پیاده، ۴ هزار سوار و ۱۲ توپ برای تنبیه این غارتگران اعزام کردیم. به محض اینکه از آمدن لشکریان اطلاع یافتند، شجاعت آنها از بین رفت و جرأت مخالفت با نیروهای ما را نداشتند، آذوقه و انبارهای خود را رها کردند و به صحرا گریختند. برادر ما در تعقیب این قبیله شریر بود و نزدیک کرچول از عده ای سواران و پیاده آنها پیشی گرفتند و بر آنان حمله کردند. از صبح تا شب آتش جنگ شعله ور بود، اما این ماجرا با شکست ترکمن ها خاتمه یافت. شمار زیادی کشته شدند، عده ای اسیر شدند، بقیه به بیابان های خشک گریختند و از دست رزمندگان ما فرار کردند. پس از تنبیه این طایفه، مدتی در کنار رود گرگان توقف کردیم تا امور آن سرحد را سامان دهیم و سپس زمستان و فصل باران و برف فرا رسید و ادامه راهپیمایی غیرممکن شد.

ما ۲۰ هزار سوار و پیاده و ۴۰ توپ، همراه با مهمات و انبارها را به خراسان فرستادیم تا در اوایل بهار آماده راهپیمایی به هرات باشیم و تصمیم گرفتیم به یاری خداوند با بقیه لشکر بعد از عید نوروز به سمت خراسان حرکت کنیم. چون در پیشروی لشکر پیروزمند اندکی تاخیر رخ داد، ما قمبرعلی خان را نزد جناب عالی فرستادیم و یک خنجر الماسی

برای جنابعالی روان کردیم که زینت کمر بند وفادار شماست. ما به قمبر علی خان دستور دادیم که تمام لطف سلطنتی ما را نسبت به جناب عالی بیان کند و جناب شما خواست ها و نیات خود را برای قمبر علی خان توضیح دهید تا در بازگشت به ما نمایندگی کند.

نوشته شده در ماه شوال ۱۲۵۲ [جنوری/فبروری ۱۸۳۷]

برگردان توسط جی. شیل (امضا)

شماره ۵ - کاپیتان برنز به مکناتن

(خلاصه) کابل، ۲۲ دسمبر ۱۸۳۷

با استناد به نامه بیستم ماه جاری، اینک افتخار دارم که به اطلاع شما و جهت معلومات حضرت عالی فرماندار کل هند در شورا برسانم، فردی که از سن پترزبورگ به اینجا آمده است، نماینده واقعی روسیه است و نامه های از شاه پارس و کونت سیمونیچ آورده است. او زیر عنوان کاپیتان ویکوویچ ارسال شده است.

این افتخار را دارم که رونویس اسناد زیر را در توضیح ظاهر این شخص همراه با برگردان ضمیمه کنم:

نامه دوست محمد خان به امپراتور روسیه.

رقوم شاه پارس به دوست محمد خان.

نامه کونت سیمونیچ به دوست محمد خان.

من نامه محرمانه در مورد این اسناد و مامور روسیه که آنها را آورده است، به حضرت عالی فرماندار کل هند ارسال کردم.

(ضمیمه ۱)

نامه امیر دوست محمد خان کابل به اعلیحضرت امپراتور روسیه

(ارسال از طریق بخارا توسط میرزا حسین حسین کابلی در اوایل ۱۸۳۶)  
پس از تعارفات.



اختلافات و نزاع های زیادی در بین من و خاندان سلطنتی سدوزی ها وجود داشته است. حکومت انگلیس می خواهد از شجاع الملک حمایت کند. کل هند توسط آنها اداره می شود و آنها با رنجیت سینگ، رئیس پنجاب که در همسایگی آنها قرار دارد، روابط دوستانه دارند. حکومت برتانیه هیچ نظر مساعدی در مورد من نشان نمی دهد.

من (بنده واقعی خدا) با تمام قدرتم همیشه با سیکه ها جنگیده ام. حکومت امپراتوری شما با پارس دوستی دارد و اگر اعلیحضرت شما از ترتیب امور در کشور افغان و یاری این ملت (که حدود ۲۰ لک خانواده است) راضی خواهند بود، مرا تحت تکلیف خود قرار خواهید داد.

امیدوارم اعلیحضرت امپراتوری شما با اجازه دادن به من لطف کنند تا مانند پارسیان، تحت حمایت حکومت روسیه و تحت حمایت سلطنتی شما باشم. من می توانم در کنار افغانان خدمات قابل ارزشی انجام دهم.

این بسیار مناسب خواهد بود تا هر آنچه مورد رضایت اعلیحضرت امپراتوری باشد، انجام خواهند داد.

(ضمیمه ۲)

**رقوم محمد شاه به امیر دوست محمد خان کابل**

(دریافت در ۲۰ دسمبر ۱۸۳۷)

پس از تعارفات.

با توجه به محبت و احساس مهربانی که نسبت به شما دارم، مایلیم که عنایات بزرگی را در حق شما ابراز کنم و مشتاقانه منتظر شنیدن شما هستم.

در این ایام کابیتان محترم ویکوویچ که از طرف برادر محترم ام امپراتور روسیه برای حضور در دربار شما منصوب شده بود، در مسیر راه ادای احترام کرد و اظهار داشت که از سوی اعلیحضرت امپراتوری مفتخر شده است که چند پیام به شما برساند: بر خود واجب دانستم که با ارسال این رقوم شما را به یاد آورم تا متقاعد سازم که خیرخواهی شما عمیقاً در ذهن من حک شده اند.

با توجه به عنایات شاهانه من، اجازه دهید گهگاهی از شما بشنوم و با ارایه خدمات خوب، حمایت این خانواده سلطنتی را خواهید داشت.

(ضمیمه ۳)

کونت سیمونیچ، سفیر روسیه در تهران به امیر دوست محمد خان کابل

(دریافت ۲۰ دسمبر ۱۸۳۷)

(خلاصه)

محترم ویکوویچ با این نامه منتظر شما خواهد بود. مامور شما حاجی حسین علی شدیداً بیمار شد و به همین دلیل در مسکو توقف کرد. وقتی اطلاع ناسلامتی او به امپراتور منتقل شد، به یک پزشک خوب دستور داده شد تا در اسرع وقت حاضر شود و او را درمان کند. پس از بهبودی، سفر طولانی او به کابل را تسهیل خواهم کرد.

با دانستن نگرانی شما از شنیدن این سو عجله کردم تا حامل را نزد شما بفرستم. به او دستور داده شد که مامور شما را تا کابل همراهی کند. امیدوارم به محض ورود او به دربار شما با او با ملاحظه رفتار کنید و در اسرار خود به او اعتماد کنید. خواهش می‌کنم به او مانند من نگاه کنید و سخنان او را طوری گیرید که گویی از من است. در صورت

توقف او در کابل به او اجازه دهید که اغلب در حضور شما باشد و خواست های خود را از طریق من به آقايم اطلاع دهید تا اين نگرانی برطرف شود.

اگرچه فاصله زياد مانع ادامه مکاتبات من با شما شده است، اما همواره خرسندم که با احترام و خدمت به دوستان شما، نظرات دوستانه خود را نسبت به شما نشان بدهم.

علت شنيدن اغلب ما از يکديگر کاملاً به دوستی و آشنایی ما بستگی دارد.

من برخی از مواد کمیاب روسی را برای شما ارسال می کنم. از آنجا که حامل (ویکوویچ) وسایل سبک در اختیار دارد، نمی توانست آنها را با خود ببرد؛ اما من با استفاده از اولین فرصت آنها را با خیال راحت به شما می رسانم و خوشحالم که فهرست زیر را برای شما ارسال می کنم:

#### سمور نوع اول

##### تعداد

- ۱ پارچه طلاکاری و نقره کاری ...
- ۱ پارچه طلاکاری و نقره کاری گلدار ...
- ۱ پارچه طلاکاری و گلدار ...
- ۱ پارچه سبز طلاکاری و گلدار ...
- ۱ زری آبی با طلاکاری و گلدار ...
- ۱ زری فرماز و طلاکاری ...
- ۱ پارچه هوزیر، سرخ و سفید ...
- ۱ پارچه نقاشی شده ...
- ۱ پارچه سفید با طلاکاری و گلدار ..
- ۱ الچه با گلهای طلایی ...

- ۱ آنچه زرد با گلهای نقره ای ...
- ۱ آنچه سرخ با گلهای سبز ...
- ۱ آنچه آبی روشن ...
- ۱ آنچه با گلهای سرخ ...
- ۱ آنچه سبز ...
- ۱ آنچه بنفش ...
- ۱ آنچه سرخ با گلهای آبی ...